



آشتی در کار نیست؛ مائی وجود ندارد!

فواد عبدللهی

به دنبال کشتار بیش از ۳۰۰ نفر از معدنچیان شهر سوما بدست دولت ترکیه و صاحبان معدن، ابعاد جنایت آنقدر عظیم بود که وجدان بشریت در سراسر جهان را به درد آورد. عمق فاجعه، فشار افکار عمومی و اعتراضات و اعتصابات در خود ترکیه، بقدری زیاد بود که کلاشان سیاست و حافظین نظم سرمایه در سرتاسر دنیا، مجبور شدند سرا فرود آورند تا شاید این باد نیز بگذرد.

بروبیای صف جهانی سرمایه در رکاب دولت ترکیه، برآستی دیدنی است. از کاخ سفید، بان کی مون، مقامات اتحادیه اروپا تا انگلا مرکل، دیوید کامرون و مسعود بارزانی، به اردوغان مسئول مستقیم این کشتار، پیام تسلیت ارسال کردند. فرانسه، هلند، روسیه، استرالیا، ایران، یونان، اوکراین، بلژیک، بوسنیا هرزگوینا، اسپانیا، قطر، کویت، بحرین، قرغیزستان، آلبانیا، کوسووا و پاکستان تا این لحظه، برای ملت ماتم گرفته اند و برای دولت محترم ترکیه صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت نموده اند.

پیام روشن است: این حادثه بود و ماهمه در غم آن شریکیم! طبیعی است که ما هم از اینگونه حوادث داریم؛ اصلا محل کار

محل "حادثه" است! اینها ضرب اول و مثل همیشه، سناریوی آشتی کار و سرمایه را جار زدند و نهایتا حکمت را به دولت ترکیه، این حافظ منافع سرمایه سپردند. در کمال بیشرمی، نه به خانواده معدنچیان که زنده بگور شدند که به عاملین این کشتار، یعنی برادران طبقاتی خود، تسلیت میگویند.

روز روشن و در اوج کلاشی، دولت را ماورای جامعه و سیاست و طبقه قرار داده اند و دارند صف دوست و دشمن را در جنگ طبقاتی یکی میکنند. جز این اگر بود جای تعجب میبود.

در این میان نیز، وزیر کار ایران برای بازماندگان قربانیان این حادثه اشک تمساح ریخته است. وی صد البته عضو کلوپ متحدین سگ های

هار جهان است که دستانشان به خون میلیونها کارگر و زحمتکش در سراسر دنیا آغشته است.

ایشان وزیر کار دولتی است که تاریخا و در عمل، بیش از سه دهه است آزادی بیان کارگران و کمونیست ها را خفه کرده،

اجتماعات را بر هم زده و احزاب و سازمانهای سیاسی ای را که در جهت منافع

آیا جناب وزیر نمیداند که در زندانهای دولت ایشان زبان کارگر میبزند؟ جناب وزیر بدون شک شامه خوبی دارد و میداند جنبش کارگری و مبارزات آزادیخواهانه و برابری طلبانه توده های مردم در ایران چگونه ۳۵ سال است آماج ضربات دائمی این جناح و آن جناح حکومت ایشان اند.

ایشان خوب می داند که پاسخ به مطالبه آزادی تشکل و اعتصاب کارگران در ایران، سالهاست سرب داغ است. ... صفحه ۲

جمهوری فدرال سوسیال دموکراتیک اسلامی - هخامنشی ایران!

مصطفی اسدیور

در این حکومت زن و مرد برابرند، تشکلهای مستقل کارگری آزاد است، سیاست خارجی آن تابع مراودات بین المللی است، در این حکومت زبان اقلیتهای ملی رسمی است و مقامات محلی اداره امور را عهده دارند، اقلیتهای مذهبی در ایران آزاد و تعطیلات مذهبی آنها در مدارس رعایت میگردد، تحمل با زور مقررات اسلامی ممنوع است، نماد مذهبی از پرچم کشور حذف شده است ... (نقل به معنی از ادعاهای روحانی و دولت اش)

در همین دو سه سال قبل تر در رسانه ها و مجامع اپوزسیون بورژوازی و سلطنت طلب پرچمهای ایران مزین به شیروخورشید در ازای قیمت های گزاف به علاقمندان تقدیم میشد. این پرچم بعنوان سمبل آلترناتیو اپوزسیون پروغرب در مقابل رژیم اسلامی و ارتجاع مذهبی عمل میکرد.

کسان زیادی پیدا میشدند که بقول خودشان به عشق وطن، برای حفظ عزت تاریخی آن، در راه آزادی آن از دست آخوندهای مرتجع و برای ایرانی مدرن آتش به مال خود بزنند. دو هفته قبلتر کل این بازار با مانورهای یک آخوند بورژوا یکشبه دود شد و هوا رفت. ارزش پرچم ایران به چندرغاز سقوط کرد. علی یونسی معاون ارشد رئیس جمهور در شلنگ تخته جدید خویش خواهان بازگشت شیر و خورشید بر پرچم رسمی ایران شد. ایشان تعصب نابجا را ملامت کرد، مسیر قبله از کعبه به سوی پاسارگاد را قابل تغییر دانست، شجره علی ابن ابوطالب را هم به ایران رساند، و بدون ابا از حمله به آخوندهایی که نمیگذاردند از طرف حکومت سنگ دفاع از تمدن ۲۵۴۴ ساله را به سینه زد.

اگر کل اردوگاه این اپوزسیون در دفاع از ناموس خود الکن ماند نه بخاطر کمبود رسانه و کانال تلویزیونی؛ بلکه به این دلیل ساده بود که این اپوزسیون قبل از پرچم، کل پلافرم سیاسی خود را به جمهوری اسلامی باخته است. ... صفحه ۳

هفته منصور حکمت

دربزرگداشت دست آوردهای یک زندگی پربار م

کوروش مدرسی

برنامه های هفته حکمت در دفاع از یک زندگی پربار م

آزادی برابری حکومت کارگری

آخر کیست که نداند بغل گوش جناب وزیر، در کشتارگاه مربوطه ایشان در سال نود ۱۵۰۷ کارگر، در سال نود و یک ۱۷۹۶ کارگر و از سال گذشته تا الان ۱۸۰۰ کارگر طعمه لطمات و تلفات ناشی از کار و به زعم ایشان حوادث شده اند؟!

اما با وصف تمام اینها، در کمال وقاحت با بازماندگان جنایت سوما عکس یادگاری می گیرد.

حقیقت اینست که ته این لاس زندنها یا دولت اردوغان و دلسوزی بحال ملت، یک حقیقت اساسی نهفته است: حضرات همه با هم تحت زعامت جامعه جهانی پرچمی برافراشته اند و از طبقه کارگر ترکیه می خواهند زیر این پرچم عکس بگیرد و دست از پا خطا نکنند: پرچم آشتی! تصویر یک حق السکوت از توده عظیم و به جان آمده میلیونها انسان! و این امر ممکن نیست جز با بالا بردن دیوار ریکاری، سرکوب و تقدیس دولت بورژوازی در پاسداری از قانون انباشت سرمایه و به در بردن آن از زیر تیغ آماج کارگران.

پوشاندن چهره کریه ماشین دولت و سیمای بازار و سود از گرده کارگر، شروط اساسی در حفظ وضع موجود اند. اینها با حمایتشان از دولت اردوغان جملگی میخواهند سندان جنایات هر روزه شان علیه طبقه کارگر خودی را به اسم حوادث طبیعی در محل کار زیر فرش کنند. باید مطمئن شوند که طبقه کارگر به مبارزه طبقاتی و قدرت سیاسی کاری نخواهد داشت و خیالشان قدری راحت شود که همه چیز به روال عادی خود برمیگردد و روز از نوروزی از نو!

سوما یک مورد ویژه و خاص ترکیه نبود؛ قبلتر از آن صدها کارگر نساجی بنگلادش در آتش سرمایه و سود سرمایه دار سوختند؛

به استناد آمارهای جهانی، سالانه یک میلیون کارگر بر اثر تماس با مواد شیمیایی در جهان می میرند. کنگره جهانی ایمنی و بهداشت به مرگ سالانه بیش از ۲ میلیون نفر در جهان به علت حوادث و بیماری های ناشی از کار اشاره می کند.

حقیقت اینست که سلاخی کارگران بنام حوادث ناشی از کار، سناریویی است که دولت و سرمایه، خالق آن است. لذا توجیه و به بایگانی سپردن سریع و فی الفور حوادث همیشه یک امر مهم بورژوازی و

سوما، بندی را آب داد که از شمال تا جنوب و از غرب تا شرق جهان امروز ما بر آن استوار است. اس و اساس این جهان متمدن، بر مرگ هر روزه و جاری کارگران، بر بستر سودآوری سرمایه پی ریزی شده است.

جنایتی پنهان که از فرط وفور چنان عادی جلوه می کند که مسببین و عاملین آن با خونسردی تمام و در کمال آرامش در کنار قربانیان اش راه می روند و به هم پیام میدهند. طبقه کارگر ترکیه به این شارلاتانیسم آشکار جهانی، نه گفت و اعلام کرد، آشتی در کار نیست.

دول فخریمه بوده است. تمام خشونت و توحش و عقب ماندگی جامعه سرمایه داری در پیام های اخیر به ملت و دولت ترکیه ترکیب شده اند تا تعرض علیه طبقه کارگر خودی را توجیه کنند و صورت طبیعی آن را حفظ کنند. تعرضی همه جانبه نه فقط در سیاست و با سرکوب رهبران کارگران و کوبیدن تشکل های واقعی کارگری، بلکه با ادامه فشار اقتصادی و انباشت سرمایه بیشتر بر گرده طبقه کارگر و تزریق بیشترین تفرقه و خرافه به صفوف آن همراه است. هدف اینست که ماحصل تعرض و جنایات امروزشان همچنان صورت قانونی و ثبات خود را بعنوان یک نورم طبیعی حفظ کند.

سوما، بندی را آب داد که از شمال تا جنوب و از غرب تا شرق جهان امروز ما بر آن استوار است. اس و اساس این جهان متمدن، بر مرگ هر روزه و جاری کارگران، بر بستر سودآوری سرمایه پی ریزی شده است.

بحران فرو رفته و از دنیای آستن تحولات بزرگ می گیرد.

آنها که برای کارگران دل میسوزانند و در عین حال دستیابی کارگران را به آرمان کمونیسم غیر ممکن جلوه میدهند، حامیان بورژوازی اند. آنها که می قبولانند حاکمیت یک اقلیت مفتخور شدنی است و در عین حال حاکمیت اکثریت را بر سرنوشت خویش تخیلی میخوانند، از کارگران تسلیم شدن را می طلبند. امروز میتوان لشگر میلیاردها کارگر مزدی را نشانشان داد. امروز میتوان اراده کرد، متشکل شد و مشت ها را گره کرد و بر دهان یاهو گویشان کوبید!

بنابراین، نباید در مقابل این تهاجم همه جانبه بورژوازی علیه کارگران ترکیه، سپر انداخت.

شکی نیست که سرمایه داری تردیدی برای چوب حراج زدن به حرمت و انسانیت در جامعه به خرج نخواهد داد. مانی وجود ندارد! کارگران کمونیست و پیشرو کاری دارند کارستان! طبقه کارگر تنها به نیروی خود و تحت پرچم مستقل خود رها میشود و همراه با خود، رهایی بشریت را تضمین میکند. این رسالت باید تا اعماق طبقه کارگر هر کشوری رسوخ کند و توده میلیونی کارگران را بعنوان رهبر و مجری آگاه علیه بورژوازی به میدان بکشد. امروز، تنها با تحکیم هرچه بیشتر تحزب کمونیستی در درون طبقه کارگر میتوان داستان تبدیل توده های کارگر و زحمتکش به عامل انتقال قدرت میان احزاب و جناح های مختلف بورژوازی در هر کشور را به رویایی پوچ و تحقق نیافتنی تبدیل نمود.

هیچ دولت بورژوازی از نقطه نظر طبقه کارگر، صلاحیت پرداختن به وضعیت کارگران را ندارد. کارگران تنها در اتحاد با هم و تحت پرچم تحزب کمونیستی خود، هر آینده بورژوازی را مصممانه در هم خواهند کوبید.

ناباید در مقابل این تهاجم همه جانبه بورژوازی علیه کارگران ترکیه، سپر انداخت. شکی نیست که سرمایه داری تردیدی برای چوب حراج زدن به حرمت و انسانیت در جامعه به خرج نخواهد داد. مانی وجود ندارد! کارگران کمونیست و پیشرو کاری دارند کارستان! طبقه کارگر تنها به نیروی خود و تحت پرچم مستقل خود رها میشود و همراه با خود، رهایی بشریت را تضمین میکند. این رسالت باید تا اعماق طبقه کارگر هر کشوری رسوخ کند و توده میلیونی کارگران را بعنوان رهبر و مجری آگاه علیه بورژوازی به میدان بکشد. امروز، تنها با تحکیم هرچه بیشتر تحزب کمونیستی در درون طبقه کارگر میتوان داستان تبدیل توده های کارگر و زحمتکش به عامل انتقال قدرت میان احزاب و جناح های مختلف بورژوازی در هر کشور را به رویایی پوچ و تحقق نیافتنی تبدیل نمود.

کارگران جهان متحد شوید!

جمهوری فدرال ...

جمع‌بندی از سه سال پرتحرک سیاسی این اردوگاه و در سایه توجه سخاوتمندانه بین المللی را بخاطر بیاورید، مگر نه اینست که پلاتفرم روحانی - یونسی کل آنچه که این اپوزسیون برایش در خیابانها رژه رفتند، وعده دادند و بان فخر دفاع از حق کارگر و زنان و اقلیتها را فروختند؛ را در دستور اجرا قرار داده است؟ مگر نه اینست که همه آنچه که این اپوزسیون میخواست از راه جنگ و حمله نظامی امریکا و محاصره اقتصادی به کرسی بنشانند، هم اکنون از کانال مذاکرات و در فضای دوستانه مشغول حل و فصل است؟ در دنیای واقعی و برای مردم زحمتکش اما کوچکترین کورسویی به سمت بهبود چشم نمیخورد. در یکی از داغترین دوره های کشمکهای سیاسی در آن جامعه دهها میلیون کارگر و مردم زحمتکش در تب تغییر میسوزند، در مقابل، حکومت حاکم، مثنی از رسواترین الیت حکومتی با پوچترین وعده ها برای خود وقت میخرند. جمهوری اسلامی یکبار دیگر ظریفیت و آمادگی خود برای هر تغییری در جهت

انطباق با منافع سرمایه را جار میزند. یکبار دیگر شاهد هستیم که هیچ مرز مقدسی در انطباق با کارکرد سرمایه در کار نیست. در مقابل تا آنجا که به کارگر مربوط باشد هر روز و از هزار مجرا طبقاتی بودن این حکومت خود را به در و دیوار مغز هر نادان و ناباوری میکوبد؛ روز نیست که کارگر و زحمتکش آن جامعه تاوان فرودستی طبقاتی خود را پس ندهد؛ اما در عین حال هنوز انتظار در میان کارگران دست بالا دارد. پلاتفرم روحانی و شراکیش یک پلاتفرم قلابی و فریبکارانه است. ذره ای آزادی و بهبود در آن نیست. اما یک پلاتفرم واقعی و عملی است و طبقه سرمایه دار را پشت سر خود دارد. از منظر بورژوازی عجلالتا نیازی به جریانات اپوزسیون نیست. این جریانات خدمت خود را با شایستگی و در پروسه تحركات سبز با یکپارچگی بجا آورده اند. همین اپوزسیون بودند که ناسیونالیسم ایرانی را در مقابل اسلامیت بقربانگاه بردند. همین اپوزسیون بودند که جنبش برابری زن و مرد و جنبش سکولاریسم و آزادیخواهی را به ناسیونالیسم ایرانی فروختند و همگی را به

اسلام خوش خیم رفسنجانی و موسوی به تسلیم کشاندند. در محضر اینها کارگر و اعتراض به پشت جبهه جنگ سبز با رژیم تقلیل یافت تا چند مدتی بعدتر منتظر حمله نظامی امریکا و یا دستکم محاصره اقتصادی هوشمند غرب گردند. امروز دیگر و تا اطلاع ثانوی دیگر به مجاهدت و سرویس این اپوزسیون نیازی نیست. فضای مسموم ناسیونالیستی، انتظارات و توقعات تقلیل یافته، صفوف پراکنده، طبقه کارگر ضعیف و در سایه یک دستگاه سرکوب قدرتمند میدان بازی مطلوبی را برای خود حکومت فراهم آورده است. اما نوک تیز پلاتفرم روحانی رو به طبقه کارگر دارد. اینها شکست اپوزسیون و طبقات دیگر را دارند به پای طبقه کارگر مینویسند. بی افقی و ورشکستگی اپوزسیون را به رخ کارگر میکشند. امریکا نقطه امید اپوزسیون بورژوازی برای آزادی ایران بود، در عوض برای مذاکره امریکا منت بر سر طبقه کارگر میگذارد و طلبکار انتظار و چشم پوشی از توقعاتش دارند. امریکا و غرب در یققدمی زندان اوین و خاوران به وعده های

حقوق بشری اپوزسیون بورژوازی دهن کجی میکنند، دولت از آن برای تطهیر سرکوب کارگر بهره میبرد. با وعده کلاسهای زبان مادری دهان ناسیونالیستهای مجیزگوی امریکا را میبندند، منتش را بر سر زحمتکشان کردستان میگذارند.

طبقه کارگر از کشمکش جمهوری و جبهه اپوزسیون سبز خود را کنار کشید چرا که بردگی مزدی کارگر در مخرج مشترک طرفین کاملا مشهود بود. اما تا تبدیل شدن این به خودآگاهی طبقه کارگر کار آگاهانه بسیار بیشتری نیاز است. ناسیونالیسم و ملت هنوز میتواند در دست بورژوازی سرچشمه پر برکت تحمیق و توهم و انتظار در صفوف کارگر شود. فداکردن اسلام در بیرق رسمی نه ناشی بازیگوشی یک آخوند از تبار هخامنش بلکه از سر نیاز حکومت به وقت خریدن نزد کارگران است.

میشود خواهش کرد کارگر را از خیر برکات ایران اسلامی، اسلام ایرانی، دمکرات و فدرال اسلامی و شتر گاو پلنگ روی پرچمتان معاف دارید و بجایش کارگران زندانی را آزاد کنید؟

برنامه های هفته حکمت در دفاع از یک زندگی پر بار

کلن: روز ۷ جون

آذر مدرسی: منصور حکمت و نقد مارکسیستی از سرمایه
سهند حسینی: منصور حکمت و حزب کمونیستی کارگری و مختصات آن
تلفن تماس: محمد راستی: ۰۰۴۹۱۶۳۴۶۵۵۶۰۳

استکهلم: ۷ جون

مصطفی اسدپور: لنین در تنوری و سیاست منصور حکمت
تلفن تماس: آسو فتوحی: ۰۰۴۶۷۳۹۸۹۸۱۴۸

لندن

امان کفا: دمکراسی تعابیر و واقعیات
مظفر محمدی: منصور حکمت و مبارزه مسلحانه توده ای
تلفن تماس: نظیره معماری: ۰۰۴۶۷۵۱۳۹۵۰۶۵۱

مرکز بر جمهوری اسلامی
زنده باد سوسیالیسم

هفته منصور حکمت در بزرگداشت دست آوردهای یک زندگی پر بار کوشش مدرسی

به ایران هم نیست. منصور حکمت متعلق به جنبش کمونیسم کارگری و از آن وسیعتر متعلق به انسانیت آزادبخواه و برابری طلب است. هفته منصور حکمت متعلق به هر انسان، هر جریان، هر سازمان و هر نهادی است که خود را در آرمان منصور حکمت، در دنیای بهتر او، شریک میداند.

هیچ چیز مانع از آن نیست که در این هفته در ایران و در خارج کشور اعضا و دوستداران حزب و دوستداران منصور حکمت، هر نهاد، سازمان و جریانی هر کسی که خود را متعلق به سنت او میدانند و دست آوردهای او را ارج مینهد به این حرکت بپیوندند. کاری را در دستور خود بگذارند. میشود جلسات یا سمینارهای ویژه گرفت، میشود اعضای حزب هر جا که هستند در ایران یا در خارج در خانه های حزب یا اجتماعات ممکن دیگر در ایران یکی از نوشته های او را به بحث بگذارند. حتی اگر یک نفر هم هستید میشود عده ای دیگر را جمع کنید منصور حکمت را معرفی کنید، نوشته ای از او را به بحث بگذارید. میشود در رابطه با انتشار آثار او کمک ویژه ای کرد، میشود میز کتاب های ویژه گذاشت، میشود به انتشار نوشته های او کمک کرد، میشود جزوه کتاب یا نوشته ای از او را بازتکثیر کرد و به دست دیگران رساند. میشود در مورد ایده های او در مورد مسئله پنهان گان، در مورد رهائی زنان، در مورد انسان، در مورد کودک، در مورد سیاست، فلسفه، اقتصاد، در مورد سوسیالیسم، در مورد هر چیز دیگری را معرفی کرد، خواند و به بحث گذاشت و کسان دیگری را به او جلب کرد. میشود در سطح بین المللی او را معرفی کرد. میشود پوستر او را پخش کرد، میشود نوارهای او را تکثیر و توزیع کرد. میشود هزار کار کرد.

هر برنامه ای که دارید، هر کاری که میکنید را به اطلاع ما برسانید. مهم این است که ما این هفته را هفته منصور حکمت کنیم. دنیا باید او را بشناسد. باید از امروز سنت این هفته را بگذاریم.

در ابعاد جامعه ایران بود. فعالیت هائی که نه تنها جایگاه منصور حکمت را در تفکر معاصر باز میکرد و امکان میداد تا در ابعاد وسیع انسانهای دیگر بتوانند این رگه فکری را بشناسند و به آن بپیوندند بلکه هفته متمرکزی از فعالیت فکری، هنری و فرهنگی حول مسائل جدید و قدیم جامعه را بوجود می آورد. امکانی را فراهم می آورد که مارکسیست های ما بتوانند حول این خط و سنت فکری به مسائل جدیدی که در مقابل آنهاست به پردازند. جمهوری اسلامی امروز این کار را ناممکن کرده است. اما جمهوری اسلامی به همت انقلاب مردم ایران و به یمن نقشی که تا هم اکنون منصور حکمت در سیاسی ایران و در دادن هویت انسانی به این انقلاب داشته است رفتنی است. در همان حال فلسفه ما، فلسفه مارکس، کمونیسم و منصور حکمت، تن ندادن به دنیای موجود زیر هر توجیهی بوده است. هفته منصور حکمت هفته ای است که بیش از هر موقعیت دیگری باید رنگ این عدم تمکین به وضع موجود را منعکس کند. وجود جمهوری اسلامی در ایران دست ما را بسته است اما بلند پروازی ما و ابتکار مابجای خود باقی است و با اتکا به همین بلند پروازی و ابتکار باید از امروز سنت هفته منصور حکمت را پایه ریزی کنیم.

هفته منصور حکمت تنها متعلق به حزب کمونیست کارگری ایران نیست. و محدود

دنیا برای آزادی و برابری قطعی بشریت، یا آنطور که او گفت، برای بازگرداندن اختیار به انسان نیست. این یک تلاش و یک جدان دائم است و شناساندن منصور حکمت بخش لاینجزای این تلاش است. اما هفته منصور حکمت این امکان را بوجود می آورد که یک فعالیت متمرکز برای معرفی منصور حکمت را دامن بزنیم.

هفته منصور حکمت تنها جلسات بزرگداشت نیست. هفته منصور حکمت یک آکسیون سیاسی، به معنای متعارف آن هم نیست. هفته ای است که طی آن مجموعه ای وسیع از فعالیت و ابتکار برای شناساندن منصور حکمت و ارج نهادن به دست آوردهای زندگی او در همه عرصه ها را شامل میشود. هفته منصور حکمت در سالروز تولد او تلاشی است برای بحرکت در آودن جامعه در ابعاد کلان برای بزرگداشت زندگی این انسان ترین متفکر عصر ما.

اگر جمهوری اسلامی نبود هفته منصور حکمت، هفته سمینارهای تئوریک، هفته جلسات سیاسی، نمایشگاههای کتاب، هفته انواع مختلف فعالیت های فکری و فرهنگی

توضیحی بر انتشار مجدد: هفته حکمت (۴ تا ۱۱ ژوئن، ۱۴ تا ۲۱ خرداد) نزدیک میشود. برای بیان هدف ما از هفته حکمت و اقداماتی که همه دوستداران او و از جمله اعضا و فعالین حزب حکمتیست - خط رسمی جهت معرفی هر چه بیشتر منصور حکمت و سیاستها و افکار او میتوانند پیش ببرند، نوشته کوشش مدرسی را که به این مناسبت و در معرفی این هفته نوشته شده است، در حکمتیست هفتگی درج میکنیم و توجه خوانندگان را به آن جلب میکنیم.

سال ۲۰۰۳ هفته ای که تولد منصور حکمت (۴ ژوئن - ۱۴ خرداد) در آن قرار میگيرد هفته منصور حکمت اعلام شد. این هفته قرار است هفته بزرگداشت دست آوردهای زندگی کوتاه اما بسیار پر بار منصور حکمت باشد. منصور حکمت را باید معرفی کرد، منصور حکمت را باید خواند، منصور حکمت را باید فهمید و منصور حکمت را باید شناخت و شناساند همانطور که با مارکس رفتار میکنیم. روشن است که این کاری نیست که در یک هفته قابل انجام باشد. برای ما، کسانی که خود را متعلق به سنت تئوریک، سیاسی و اجتماعی او میدانیم تعلق به این سنت چیزی جز تلاش دائم برای تغییر

Mansoor Hekmat Week 2014

4-11 June

در بزرگداشت زندگی پر بار منصور حکمت

هفته منصور حکمت ۱۴ - ۲۱ خرداد



نشریه هفتگی حزب حکمتیست (خط رسمی)

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللہی

fuaduk@gmail.com

تماس با حزب

hekmatistparty@gmail.com

حکمتیست هفتگی را بخوانید و آنرا وسیعاً توزیع کنید.

زنده باد انقلاب کارگری